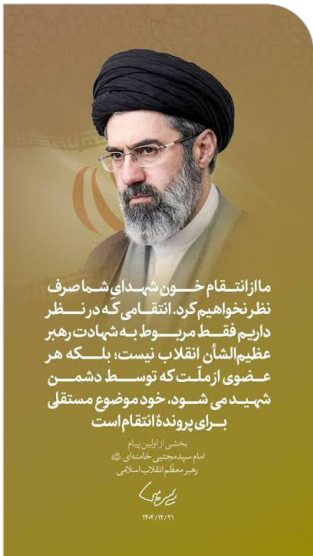


۹

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام نهم تاکید رهبر انقلاب بر خونخواهی، نشان دهندد راهبردی بودن این مأموریت است.



رهبر انقلاب در همین پیام‌های صادرشده چندین‌بار درباره انتقام و خون‌خواهی سخن گفته‌اند:

- در پیام ۲۰فروردین مرقوم داشته‌اند: «ملت عزیز اگر چه با پایان‌گرفتن مدت عزای رسمی شهادت رهبر عظیم‌الشأن خود، جامه عز را از تن بیرون می‌آورد، اما عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه می‌دارد.»

- در پیام ۲۱ اسفند نوشته‌اند: «انتقامی که در نظر داریم، فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشأن انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توشط دشمن شهید می‌شود، خود موضوع مستقّلی برای پرونده‌ی انتقام است.»

- یا در توصیف بعثت و حضور مردم، از انگیزه خون‌خواهی ایشان یاد کرده‌اند (پیام ۱۴ خرداد).

این تأکیدات از جهت راهبردی بودن این امر است زیرا:

- ضربه به رأس یک نظام سیاسی بدون تاوان متقابل، وزن اقتدار آن نظام سیاسی را فروخواهد کاست زیرا نظامی ضعیف و فاقد توانمندی برای حفاظت از خود تلقی خواهد شد.

- پاسخ متناسب به دشمنی که به نقطه نمادین اعتقادات مذهبی و انقلابی ضربه وارد ساخته است، نمی‌تواند محدود، در ضمن سایر اهداف، یا غیرمتناسب باشد. اما درصورت انجام چنین پاسخی، حس عزت و حراست از هویت دینی و انقلابی رقم خواهد خورد.

بدین‌ترتیب پیگیری فعال انتقام خون امام شهید، ازآن‌جهت که ایشان معمار ایران‌کنونی باهمه‌مختصات آن یعنی استقلال‌طلبی، آرمان‌جویی، مردمی‌بودن، حرکت در مسیر پیشرف مستقل از نظام سلطه است، تداعی‌گر و تثبیت‌کننده همه این معانی است. درعین‌حال به معنای علقه و پیوستگی مردمی و حساسیت مردم نسبت به اعتقادات و باورهای انقلابی و دینی‌شان است.

پیام دهم

خونخواهی، آموزای شیعی و مبتنی بر تأییدات

آشکار اهل بیت علیهم‌السلام است.



مسئله خونخواهی در اندیشه و سیره عملی شیعیان، ریشه در عمیق‌ترین بنیان‌های دینی و مبانی فکری مکتب اهل‌بیت علیهم‌السلام دارد و پدیده‌ای نوپدید یا واکنشی احساسی نیست. خداوند متعال در آیات متعددی از قرآن کریم، خود را «ذوانتقام» و «منتقم» خوانده است. در نگاه قرآن، کيفر ستمگران، مجرمان و تقاص خون‌های

به‌ناحق‌ریخته پیامبران الهی، یکی از سنت‌های قطعی و تَخلف‌ناپذیر عالم به شمار می‌رود.

شاید این تصور وجود داشته باشدکه مجازات الهی در منطق قرآن، تنها به روز قیامت موکول شده است؛ درحالی‌که هلاکت و عذاب اقوامی چون فرعونیان و قوم لوط و شعیب، در همین جهان رخ داده است! این رویکرد قرآنی در سیره اهل‌بیت عصمت و طهارت نیز تداوم یافته و به یکی از کلیدی‌ترین آرمان‌های شیعه بدل شده است تا جایی که با یکی از مهم‌ترین اصول شیعه، یعنی مسئله مهدویت و ظهور، پیوندی عمیق دارد. در اندیشه مهدوی، رسالت بزرگ دادخواهی پیشوایان حق و در رأس آن‌ها، تقاص خون مطهر امام حسین علیه‌السلام، بر دوش امام زمان علیه‌السلام نهاده شده است.

با نگاهی به سیر تحولات تاریخی، درمی‌یابیم که پیروان مکتب تشیع در طول تاریخ و با الهام از هدایت‌های ائمه اطهار، همواره پرچمدار مبارزه با ظلم بوده‌اند. آنان هرگز در برابر ستمگران سکوت نکرده و پیوسته در پی استیفای حق رهبران شهید خود برآمده‌اند. در فرهنگ شیعی، خون مظلوم با گداز زمان زیر خاکستر پنهان نمی‌شود و به دست فراموشی سپرده نخواهد شد؛ باور اصیلی که زمینه‌ساز شکل‌گیری خیزش‌هایی تاریخی همچون نهضت توابین و قیام مختار ثقفی بوده است.

۱۱

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام یازدهم شروع نهضت پرچم سرخ، نشان دهندد عزم جدی ملت ایران برای پیگیری مجدانه مسأله انتقام است.



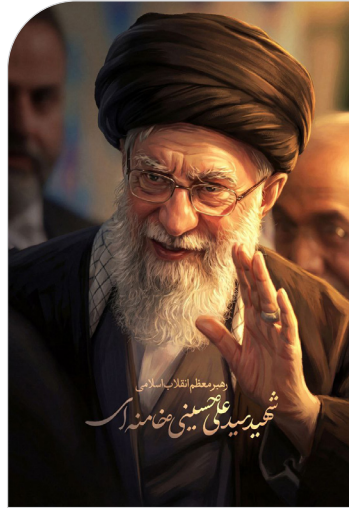
در آستانه حماسه یوم العباس و با حضور خیل عظیم عاشقان اباعدهالله‌الحسین، پرچم یا لثارات الحسین علیه‌السلام همراه با نماد مشت گره کرده، برفراز گنبد و صحن حسینیة اعظم زنجان برافراشته شد و این آغازی بود بر انسجام بخشی مطالبات پراکنده و انبوه ایرانیان در انتقام جویی نسبت به خون امام شهیدشان. با این رخداد پرمعنا در زنجان، فراگیری نهضت پرچم سرخ در سرتاسر کشور

آغاز شد تا مطالبه ملی ایرانیان و مسلمانان جهان، به نمادی تاریخی متصل شود و زبانی عمومی پیدا کند. فرارسیدن محرم و نزدیک شدن به ایام تشییع پیکر مطهر رهبر شهید انقلاب، داغ ملت ایران را در فقدان رهبر شهیدشان چندین برابر ساخته است و امروز ملت ایران مصمم‌تر از قبل، مطالبه انتقام خون پاک رهبرش را دنبال می‌کند. مجموع مطالبه‌گری‌ها و کنشگری‌های خودجوش و مردمی ایرانیان در این ایام تا منتهی شدن آن به نهضت پرچم سرخ نشان می‌دهد که گذر زمان نه سبب فروکش احساسات ملی ایرانیان در انتقام جویی نسبت به قاتلین امام شهید می‌شود و نه با عوامل دیگر گمراه می‌شود. عزم جدی ملت ایران بر پیگیری مجدانه مساله انتقام، از این پس در قالب نهضت پرچم سرخ سامان دهی شده و منسجم‌تر و با صدایی رساتر دنبال می‌شود تا دشمن آمریکایی- صهیونی، عمق این اصرار را درک کند و متوجه باشد که ملت عاشورایی و آزاده خواه ایران، به هیچ وجه از این خون پاک عقب نمی‌نشیند و با نماد پرچم سرخ و مشت گره کرده، مأموریت انتقام جویانه خود را دنبال خواهد کرد و به هیچ وعده و وعید دوری که بخواهد تفاسیر جدیدی از معنا و مصداق انتقام بدهد، رضایت نخواهد داد. بنابراین تشییع پیکر مطهر رهبر شهید، همراه با اهتزاز گسترده این پرچم به نماد انتقام جویی ایرانیان از قاتلین امام برگزار می‌شود و در نهایت در میعادگاه مقدس جمرکان و بر فراز نماد مشّت گره‌کرده‌ی امام شهید قرار می‌گیرد، تا به عنوان نشانی زنده بر حافظه تاریخ حک گردد.

پیام دوازدهم

بعد از ترور رهبر انقلاب، عدم پیگیری موضوع

انتقام به بهانه ترس از اقدام متقابل، معقول نیست.



یکی از امکان‌ها در مقابله با نظام سلطه، به‌ویژه سران کثیف و جنایتکاری چون نتانیاھو حذف ایشان با طرق پنهان و غیرآشکار و یا آشکار اما غیرکلاسیک بوده است. اما همواره کسانی بوده‌اند که طرح و اجرای این مسیر را، خطرناک و ازحیث امکان پاسخ متقابل دشمن به ترور سران ارشد ما، نادرست ارزیابی می‌کرده‌اند. درعین‌حال باید به خاطر داشت استفاده از شیوه‌های مذکور از نیمه دوم دهه هفتاد بسیار تضعیف شد و راهبردهای نظامی و ضربه‌های نسبتاً کلاسیک یا غیرمتقارن جایگزین آن شیوه‌ها شد. این جمع‌بندی عملاً باعث شد به تدریج دسترسی ما برای هر اقدام متقابل و غیرمتقارن در حذف شخصیت‌های دشمن در ازای ترورهای فعال ایشان هم اندک گردد. به عبارت دیگر وقتی آن راهبرد تغییر یافت، بسترها و توانمندی‌هایش هم

بسیار تضعیف گردید. واقعیت این است که وقتی دشمن به شما ضربه‌ای در حد ترور ارشدترین سران کشور مانند رهبر انقلاب وارد می‌سازد، هیچ دلیلی ندارد بخواهیم انتقام ایشان را از همان روش‌های کلاسیک یا با جنگ نظامی بگیریم زیرا بسیاری اوقات اقدامات نظامی گُند، با دسترسی‌های پایین (به علت هوشیاری دشمن و مراقبت‌هایش)، دستخوش محدودیت ابزارهای رسمی جنگی است. با این تفاسیل باید گفت نه آن برچیدن دامنه توانمندی کشور در حذف دشمنان به‌صورت پنهان درست بوده، نه بهانه نگرانی از اقدام متقابل دشمن دیگر کارایی دارد. دشمن کاری را که نباید می‌کرد، انجام داده و مرزی باقی نگذاشته و معادله جدیدی خلق کرده؛ اینکه هرگاه بتواند سران کشور ما را ولو همزمان یا غیرهمزمان به شهادت خواهد رساند. شکستن این معادله جدید جز در پرتو ضربه متقابل هم‌وزن مقدور نیست و ازاین‌رو ترس از اقدام متقابل دیگر بی‌معناست. دشمن بعد از به شهادت رساندن رهبر انقلاب، رهبر جدید را هم تهدید کرده، ازاین‌رو جز با دیدن ضرب‌شست امنیتی با نظامی که منجر به حذف سرانش شود، تجدیدنظر نخواهد کرد.

۱۳

نبرد سرنوشت
مجموعه پیام های تبیینی پیرامون
جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

پیام سیزدهم پیاده روی اربعین فرصت بی نظیری برای احیای آرمان خونخواهی امام شهید در میان شیعیان است.



پیاده‌روی اربعین سال‌هاست که از یک عزاداری ساده فراتر رفته است. امروز این حرکت، بزرگ‌ترین گردهمایی و نمایش قدرت برای جبهه حق به شمار می‌رود. در روزگاری که دشمنان با تمام توان نظامی و تبلیغاتی خود تلاش می‌کنند تا ملت‌های مسلمان را ناامید و متفرق کنند، این امام حسین علیه‌السلام است که میلیون‌ها انسان آزاده را با هدفی مشترک دور هم جمع می‌کند. این حرکت بزرگ جهانی ظرفیت دارد که به بستری

برای آرمان خونخواهی امام شهید تبدیل شود؛ خونخواهی سیدالشهدا علیه‌السلام که در شعار «یا لثارات الحسین» دیده می‌شود، تنها غصه خوردن برای یک واقعه تاریخی نیست. این شعار، نشان‌دهنده یک مبارزه ادامه‌دار و فعال است. اگر بخواهیم این خونخواهی را در دنیای امروز تحلیل کنیم، معنای آن مقابله جدی و بدون سازش با یزیدیان زمان، یعنی رژیم صهیونیستی و آمریکای جنایت‌کار است. مسیر هشتاد کیلومتری اربعین، یک پایگاه بزرگ است. زائران در این مسیر فقط راه نمی‌روند، بلکه اراده می‌کنند تا برای رویارویی با مستکبران آماده و یکپارچه شوند.

این همایش جهانی، بهترین موقعیت، برای تقویت هویت جبهه مقاومت است. وقتی شیعیان از ایران، عراق، لبنان، یمن و دیگر کشورها شانه به شانه هم راه می‌روند، مرزهای ساختگی از بین می‌رود و مفهوم واقعی «امت واحده» شکل می‌گیرد. در این مسیر بی‌نظیر، خونخواهی امام شهید مستقیماً به خونخواهی از تمام شهدای مقاومت وصل می‌شود. خونی که در فلسطین، عراق، لبنان، یمن و ایران بر زمین ریخته شده، در ادامه خون امام حسین علیه‌السلام معنا پیدا می‌کند. بنابراین، رسانه‌ها و فعالان جبهه انقلاب وظیفه دارند از این ظرفیت بزرگ استفاده کنند و شور حسینی را به اقتدار مقاومت تبدیل کنند. پیام اربعین باید با صراحت به دنیا برسد که پیروان مکتب عاشورا، در برابر محاصره اقتصادی و حمله نظامی دشمن تسلیم نمی‌شوند. آن‌ها تا زمانی که انتقام خون مظلومان را نگیرند و منطقه را از شر مستکبران پاک نکنند، آرام نخواهند نشست. این پیاده‌روی، جاده‌ای است که مستقیم به سمت آزادی قدس و آماده‌سازی برای ظهور پیش می‌رود.

پیام چهاردهم

جریان سازش، موضوع انتقام را مشمول مرور

زمان کرده و در نهایت آنرا امری غیر عقلانی جاوه می‌دهد.



«مشکل کنونی کشور متأسفانه به‌خاطر وجود آدم‌های بعضاً بی‌خیال و بعضاً سهل‌اندیش [است]... در مقابل انبوه عظیم جمعیت انقلابی و آگاه و بصیر کشور چیزی نیستند اما فعال‌اند. می‌نویسند، می‌گویند، تکرار می‌کنند؛ تکرار می‌کنند! دشمن هم به این‌ها کمک می‌کند.

امروز یک فصل مهمی از فعالیت دشمنان جمهوری اسلامی... همین است که محاسبات مسئولین را تغییر بدهند.» (بیانات ۱۳۹۴/۷/۱۵ رهبر شهید) کار این جمعیت فعال! آن است که عزم ملی را سست کنند. به تعبیر رهبر شهید: «به نظر ما سلاح اصلی آمریکا...نفوذ است -نفوذ در مراکز حشاس و تصمیم‌گیر-... ایجاد تزلزل در عزم ملی ملت‌ها است.» (۱۳۹۸/۸/۲۴)

اینک نیز که پس از به شهادت رساندن رهبرمان توسط دشمن، در میان عموم مردم میل جدی به پاسخ و پیش‌روی تا سرحد پشیمان ساختن و گرفتن انتقام خون آن شهید و سایر شهدا به وجود آمده، همان وابستگیان و دلدادگان مسیر و سبک زندگی غربی مذکور در بیانات رهبر شهید، باز به میدان خواهند آمد، کما اینکه رد ایشان را می‌شود هم‌اکنون نیز مشاهده کرد. کار ایشان ابتدا مسکوت گذاشتن و نپرداختن به انتقام و طرح مسائل دیگر است. آنان که به مصادر قدرت چه در لایه تصمیم‌گیری یا تصمیم‌سازی دسترسی داشته باشند، سعی می‌کنند که این موضوع را از روی میز مسؤلان ارشد کشور و ذهنیت مردم حذف کنند. در رسانه‌های خویش بدان نپردازند و درقبال خشم انقلابی مردم سکوت کنند. اما آهسته‌آهسته سر از لاک دفاعی برون خواهند آورد و خواهند گفت و نوشت که مثلاً «انتقام‌گیری یک امر احساسی است! باید درباره آن محاسبه سود و زیان شود! نباید به‌واسطه انتقام لحظه‌ای و تشفی خاطر آتی، منافع بلندمدت ملی را پای یک امر لحظه‌ای فدا کرد! ما باید انتقام را به زمانی موکول کنیم که بتوانیم دشمن را به کلی منکوب کنیم! یا...» خلاصه آنکه جریان سازش غریب‌گرا تلاش خواهد کرد یا از قاعده مرور زمان و یا از روش برچسب‌زنی با عنوان غیرعقلانی، برای حذف خونخواهی امام شهید بهره برد؛ مبادا مسیر پیوستن به هژمونی غربی منسد شود!



payamenehzat.ir

@paiamenehzat

فهرست

۴	پیام اول	اگر انتقام در شأن امام شهید گرفته نشود، هیچگاه امنیت ملی برای ما تأمین نخواهد شد.
۵	پیام دوم	مسأله خونخواهی، یک مسأله فرا دولتی است و در سطح جهان اسلام باید پیگیری شود.
۶	پیام سوم	احاله انتقام خون امام شهید به آزادی قدس، بی‌الترساری آرمان خونخواهی است.
۷	پیام چهارم	پروژه خونخواهی باید به صورت یک پرونده فعال، روی میز دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور باشد.
۸	پیام پنجم	مراسم تشییع، فرصت بزرگی برای بازنمایی خواست عمومی مردم مبتی بر خونخواهی امام شهید است.
۹	پیام ششم	انتقام از جنایت کاران، موجب تقویت عزت ملی ایرانیان خواهد شد.
۱۰	پیام هفتم	یکی از ایرادات بند اول تفاهم نامه، به محاق بردن مأموریت ما برای خونخواهی است.
۱۱	پیام هشتم	راهکارها و مسیرهای انتقام جویی، محدود به مقدورات متعارف ما در مسائل نظامی نیست.
۱۲	پیام نهم	تاکید رهبر انقلاب بر خونخواهی، نشان دهنده راهبردی بودن این مأموریت است.
۱۳	پیام دهم	خونخواهی، آموزه‌ای شیعی و مبتنی بر تأییدات آشکار اهل بیت علیهم‌السلام است.
۱۴	پیام یازدهم	نهضت پرچم سرخ، نشان دهنده عزم جدی ملت ایران برای پیگیری مجدانه مسأله انتقام است.
۱۵	پیام دوازدهم	بعد از ترور رهبر انقلاب، عدم پیگیری موضوع انتقام به بهانه ترس از اقدام متقابل، معقول نیست.
۱۶	پیام سیزدهم	پیاده روی اربعین فرصت بی نظیری برای احیای آرمان خونخواهی امام شهید است.
۱۷	پیام چهاردهم	جریان سازش، موضوع انتقام را مشمول مرور زمان کرده و آنرا امری غیر عقلانی جلوه می‌دهد.

۶۷

نبرد سرنوشت؛

فریضه خونخواهی

مجموعه پیام های تبیینی پیرامون

جنگ دوم اسرائیل و آمریکا با ایران

۱

نبرد سرزنشوت

مجموعه پیام های نبیی پرامون

جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

اگر انتقام از عاملین و آمرین در شأن امام شهید گرفته نشود، هیچگاه در سطوح بالای سیاسی، امنیت ملی برای ما تأمین نخواهد شد.



بازدارندگی یک کشور، مفهومی چندلایه و راهبردی است. بخشی از این بازدارندگی، به توانایی نظام در محافظت از رهبران و بالاترین مقامات سیاسی در برابر تعرض دشمن بازمی‌گردد. این خط قرمز، تضمین‌کننده ثبات ساختار تصمیم‌گیری در بحران‌هاست. امروز، این اصل بنیادین به شکلی عمیق مخدوش شده است. رهبر عالی‌رتبه کشور

در عمق خاک تهران شهید شدند؛ واقعه‌ای که نشانه‌ای آشکار از فروپاشی دیوار بازدارندگی ما در عرصه محافظت از سران سیاسی است. همزمان، رهبر فعلی و سایر مقامات عالیرتبه به‌صورت مداوم در معرض تهدیدات بالفعل قرار دارند؛ تهدیداتی که دیگر در حد لفاظی و جنگ روانی باقی نمانده، بلکه در قالب طرح تروهرای عملیاتی، روی میز دشمن است.

اگر انتقام از عاملین و آمرین این جنایت، در تراز شأن امام شهید و در مقیاسی بازدارنده گرفته نشود، ترمیم این شکاف راهبردی ممکن نخواهد شد. انتقام در این سطح، یک کنش احساسی یا تاکتیکی نیست؛ اقدامی استراتژیک برای بازتعریف معادلات امنیتی است. غیاب پاسخ قاطع به این معناست که دشمن به این جمعیتی برسد که می‌تواند رهبران جبهه مقاومت را بدون پرداخت هزینه‌های مهلک و وجودی هدف قرار دهد. با چنین جمع‌بندی‌ای، امنیت ملی در بالاترین سطوح

سیاسی برای همیشه معلق و شکننده خواهد ماند و هیچ پایتخت و مقری، سنگر امنی برای فرماندهان و تصمیم‌گیران کشور محسوب نخواهد شد.

این مسئله را باید فراتر از یک پرونده امنیتی ساده تحلیل کرد. این یک امر استراتژیک و مربوط به کلیت اسلام، انقلاب و موجودیت جبهه مقاومت است. بقای یک گفتمان و یک آرمان، به بقای رهبران و نمادهای آن گره خورده است. اگر دشمن در حذف فیزیکی رأس هرم رهبری جسور شود و این جسارت با سیلی سختی مواجه نگردد، کل بنیان این جبهه متزلزل و در معرض خطر از این ناحیه قرار می‌گیرد. احیای بازدارندگی، تنها از گذرگاه یک انتقام سخت، راهبردی و تغییردهنده قواعد بازی عبور می‌کند؛

پیام دوم

مسأله خونخواهی، یک مسأله فرا دولتی است و در

سطح جهان اسلام باید پیگیری شود.



شهادت آیت الله العظمی خامنه‌ای به عنوان مرجع تقلید شیعیان جهان، رهبر الهام بخش مسلمین، ابرمرد مقاومت جهان اسلام و امید مستضعفان تحت سلطه استعمار، تنها یک ترور جنایتکارانه نبود و انقلابی در دل مسلمانان جهان به پا ساخته است که شعاع آن از هند و پاکستان تا عراق، لبنان، یمن، بحرین و تا مالزی و اندونزی و اقصی نقاط جهان گسترش یافت. مسلمین جهان بر امام شهید خود سوگواری کردند و خیزشی اعتراضی به پا کردند تا مطالبه گر خون خواهی او باشند. در این زمینه مراجع و علمای ایران، عراق، پاکستان و دیگر کشورهای اسلامی پیام‌های تندی علیه متجاوزین آمریکایی- صهیونی صادر کردند و حتی برای خون خواهی امام شهید فتوا صادر کردند و در پی آن جمهوری اسلامی و جریان‌های مقاومت نیز با محکومیت این جنایت، آمادگی خود را برای انتقام خون امام شهید به دشمنان اعلام کردند. اما خیزش مسلمانان، که عموماً برخلاف خواسته دولتمردانشان بود، نشان می‌دهد که اصل مسئله امامت و رهبری در جهان اسلام، فراتر از امر دولتی است و به همین دلیل مسئله خون خواهی ایشان، چیزی نیست که در سطح دولتی راجع به آن تصمیم گرفته شود. بنابراین آیت الله مجتبی خامنه‌ای از جایگاه رهبری خود در پیام‌هایشان به صراحت مسئله خون خواهی را مطرح کرده‌اند و تأکید داشته‌اند که «ملت عزیز عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان را در روح و قلب خود زنده نگه‌میدارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود». تجمعات و خیزش‌های مردمی ایران و سایر کشورهای مسلمان نیز بیانگر همین واقعیتی بوده است که آنها مترصد تحقق خون خواهی رهبر انقلاب هستند. نکته قابل توجه در ادبیات خون خواهی مردم ایران و سایر کشورهای مسلمان، ادبیات الهام گرفته از واقعه عاشورا و شهادت امام حسین است که در شعارها و نمادهای این تجمعات به خوبی منعکس شده است و نشان می‌دهد که افق این انتقام، افقی دین دارانه است و قلمرو آن به وسعت جهان اسلام است، لذا نمی‌توان آنرا به منافع و مصالح دولتی تقلیل داد. در نتیجه خون خواهی امام شهید باید با سازوکارهایی که در جهان اسلام وجود دارد و ظرفیت‌های این جریانات تحقق یابد و از هر فرصت رسانه‌ای، گفتمانی، سیاسی، نظامی و غیره استفاده شود تا این هدف مقدس تأمین شده و جایگاه عظیم مرجعیت شیعی مصون از چنین تهدیدهایی بماند.

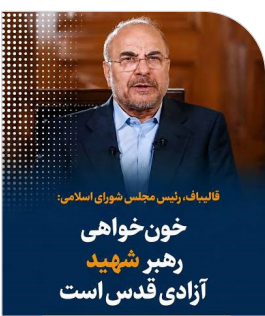
۳

نبرد سرزنشوت

مجموعه پیام های نبیی پرامون

جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

احاله انتقام خون امام شهید به آزادی قدس یا خروج آمریکا از منطقه، بی‌اثرسازی آومان خونخواهی است.



همانگونه که از تأکید چندباره رهبر معظم انقلاب بر انتقام خون شهدا، خصوصاً انتقام امام شهید برمی‌آید، موضوع انتقام در زمان حاضر، یک موضوع کلی و آرمانی نیست. عبارت صریح و غیرقابل تفسیر معظم‌له در نخستین پیام که فرمودند: «این اطمینان را به همگان می‌دهم که ما از انتقام خون شهداء شما صرف نظر نخواهیم کرد». و در ادامه به انتقام‌خواهی نسبت به خون دیگر شهدا اشاره کرده و فرمودند: «انتقامی که در نظر داریم فقط مربوط به شهادت رهبر عظیم‌الشان انقلاب نیست؛ بلکه هر عضوی از ملت که توسط دشمن شهید می‌شود، خود موضوع مستقلی برای پرونده انتقام است... بخصوص نسبت به خون اطفال و کودکانمان حساسیت بیشتری خواهیم داشت.» اشاره به همین موضوع دارد.

در ادامه نیز تأکید مجدد ایشان در پیام به‌مناسبت چهلمین روز شهادت قائد عظیم‌الشان با عبارت «ملت عزیز ... عزم قاطع بر انتقام خون پاک ایشان و همه شهدای جنگ تحمیلی دوم و سوم را در روح و قلب خود زنده نگه می‌دارد و پیوسته مترصد تحقق آن خواهد بود.» بر جدی بودن موضوع اشاره دارد و حتماً باید جزو برنامه‌های نظام و امت اسلامی قرار گیرد.

در یک نگاه آرمانی صحیح، البته که انتقام حقیقی خون رهبر شهید جز با فتح قدس و شکل‌گیری تمدن اسلامی و امثال این موارد محقق نخواهد شد اما در فرهنگ شیعه، قصاص، قتل و انتقام از مباشرین قتل امام واجب است. صدهایی که انتقام را به موضوعات کلی و مبهم حواله می‌دهند هرچند از روی خیرخواهی هم باشد و به صورت کلی مورد تأیید و تحسین باشد، ثمره‌ای جز بی‌اثر کردن انرژی خونخواهی در امت نیست. ادامه این روند، حس خونخواهی امت اسلامی را تحلیل برده و بی‌اثر می‌کند. همانگونه که انتقام خون امام حسین علیه‌السلام جز با ظهور اتفاق نمی‌افتد اما قصاص قاتلین در دستور کار شیعیان زمان بود؛ بر همین اساس مختار ثقفی با قصاص مباشرین و آمرین به قتل امام حسین علیه‌السلام از آبرو، عزت و غیرت شیعه دفاع کرد و نگذاشت این ننگ بر دامان شیعه بماند که قاتلین امام جامعه به مرگ عادی بمریند، ما نیز باید به جای کلی‌گویی و ابهام، بر برنامه‌ریزی دقیق، ابتکارات و ابداعات مردمی، مطالبه‌گری عمومی نسبت به انتقام و خونخواهی امام خامنه‌ای شهید را ملموس کرده و وظیفه تاریخی خود را ادا کنیم.

پیام چهارم

پروژه خونخواهی باید به صورت یک پرونده فعال،

روی میز دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور باشد.



پروژه خون خواهی رهبر شهید، حامل تعابیر متفاوتی است. تحقق برخی اهداف کلان و راهبردی نظیر فتح قدس شریف یا اخراج کامل آمریکا از منطقه، به‌عنوان مصادیق انتقام نهایی مطرح می‌شوند. این آرمان‌ها اقب‌های راهبردی ما را تشکیل می‌دهند و بخش جدایی‌ناپذیر هویت انقلاب هستند. با این حال، تجربه‌های گذشته هشدار جدی پیش روی ما قرار می‌دهد، احاله پیوسته انتقام به این اهداف کلی و بلندمدت، به یک رویه تبدیل شده است. این رویه، هرچند نیت خود را بر چشم‌اندازهای بزرگ متمرکز می‌کند، برای کشور ضرری راهبردی به همراه دارد. هنگامی که انتقام صرفاً در افق پروژه‌های تمدنی تعریف شود، از زمین واقعی عملیات جدا می‌افتد و شعار انتقام به‌تدریج در

آذهان عمومی و محاسبات دشمن، بی‌اثر می‌شود.

برای احیای بازدارندگی و اثبات جدیت خون‌خواهی، باید پروژه‌های موازی و در راستای یکدیگر، به‌صورت فعال، واقعی و در دست اقدام روی میز باشد. این پروژه‌ها باید ملموس و عملیاتی بوده و صرفاً به بیانیه و طرح‌های کلی محدود نشوند. طراحی باید به‌گونه‌ای باشد که سران، فرماندهان تروریست و آمرین پشت پرده، به‌طور مستمر از این طرح‌ها احساس خطر حیاتی کنند. این احساس خطر نباید حاصل عملیات روانی زودگذر باشد، بلکه باید ریشه در رصد یک فرآیند امنیتی هوشمند، دقیق و گریزناپذیر داشته باشد. لازمه این امر، وجود طرح‌های مشخص، چندلایه و واقعی از میان برداشتن عاملین و آمرین ترور رهبر انقلاب است. هر روز تأخیر در رونمایی عملی از این پرونده فعال، به معنای تنفس راهبردی به دشمن و عادی‌سازی ترور رهبران در معادلات منطقه است. دستگاه‌های نظامی و امنیتی کشور باید پرونده خون‌خواهی را از سطح یک راهبرد انتزاعی خارج کرده و آن را به یک عملیات جاری با مختصات دقیق تبدیل کنند.

۵

نبرد سرزنشوت

مجموعه پیام های نبیی پرامون

جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

مراسم تشییع آیت الله خامنه‌ای، فرصت بزرگی برای بازنمایی خواست عمومی مردم ایران مبنی بر خونخواهی امام شهید است.

مراسم تشییع امام شهید به لطف خدا و به احتمال فراوان بزرگ‌ترین اجتماع مردمی تاریخ انقلاب اسلامی و حتی تاریخ معاصر ایران خواهد بود. غیر از جنبه‌های باطنی که پس ظواهر این اجتماع بزرگ ایمانی نهفته است، وجوه نرم‌افزاری و مفاهیم و معانی که در بستر این رخداد بزرگ تاریخی مطرح خواهد شد، برای آینده ایران بسیار حیاتی است. میلیون‌ها جمعیت ایرانی و غیرایرانی که در این مراسم حضور خواهند یافت، در حقیقت مسیر حرکت ملت ایران و جبهه‌ی مقاومت را برای دستیابی به افق‌های بلند تمدنی ریل‌گذاری خواهند کرد. به همین دلیل، مهم است که بر روی واژگان و مفاهیم کلیدی این رویداد تاریخی تأمل فراوانی صورت پذیرد.

یکی از واژگانی که برای معنابخشی به این رویداد تاریخی و ریل‌گذاری تحولات آینده‌ی جمهوری اسلامی بسیار تأثیرگذار است، «خونخواهی» است. مراسم تشییع رهبر انقلاب اسلامی باید سرشار از روح خونخواهی و مطالبه‌ی انتقام نسبت به خون پاک رهبر شهید انقلاب باشد. قائد شهید، اولین مرجع تقلید شیعی و نخستین زعیم سیاسی، اجتماعی شیعیان است که به صورت مستقیم توسط راس جریان کفر به شهادت رسیدند. غیر از جنبه‌های راهگشا و آینده‌ساز حادثه‌ی شهادت ایشان رای جامعه‌ی مومنین و جبهه‌ی مقاومت، برای جبهه‌ی دشمن و خصوصاً برای عاملان و آمران وقوع آن، می‌بایست پدیده‌ای بسیار پرهزینه و همراه با پیامدهای سخت و دامنه‌دار ترسیم شود. برجسته کردن خط قرمزی که دشمن از آن عبور کرد و همچنین مرزگذاری شدید و غلیظ با دشمن غدار، یکی از ضرورت‌های مسیر پیش روی جمهوری اسلامی است که شعار خونخواهی بستر آن را فراهم می‌کند.

همچنین در روایت‌پردازی خونخواهی در مراسم تشییع امام شهید، باید مراقبت کرد کرانه‌های مفهومی این واژه‌ی دینی، تقلیل نیابد و صرفاً به مقوله‌ی قصاص و مجازات منحصر نشود؛ انتقام و خونخواهی، کشش و ظرفیت مفهومی بالایی دارد برای اینکه مفهوم جهاد کبیر و مرزگذاری با دشمنان را در مفاهیمی همچون ساختن، آبادانی و پیشرفت کشور و ایجاد نظم جدید منطقه‌ای و جهانی، زبانه بکند. سرمایه‌ی اجتماعی و نیروی خونخواهی افزون بر جنبه‌های سلبی (مانند قصاص قاتلان، ازاله اسرائیل، اخراج آمریکا از منطقه و ...) باید پیشران جنبه‌های ایجابی حرکت انقلاب ـ یعنی ساختن و پیشرفت و آبادانی ـ نیز بشود.

پیام ششم

انتقام از جنایت کاران، موجب تقویت عزت ملی

ایرانیان خواهد شد.



در تاریخ سیاسی ملت‌ها، نمادهای حاکمیتی و رهبران ملی، تجلی‌گاه هویت، استقلال و اقتدار یک سرزمین به شمار می‌روند. زمانی که کشورهای متخاصم با عبور از خطوط قرمز، عالی‌ترین سطح از مقامات رسمی را هدف ترور قرار می‌دهند، در حقیقت ساختار حاکمیت ملی و غرور جمعی یک جامعه را به چالش کشیده‌اند. در چنین مختصاتی، مقوله «خونخواهی» و پاسخ

متقابل، یک ضرورت اجتناب‌ناپذیر برای صیانت از کِیان و امنیت ملی است. خونخواهی و تقاص متناسب، ابزار «احیای بازدارندگی» و «بازتولید موازنه قدرت» است. انفعال یا تسامح در برابر چنین جنایات راهبردی، به خطای محاسباتی می‌دهند. دشمن دامن زده و با تقلیل هزینه تجاوز، بستر را برای تعدی‌های سهمگین‌تر فراهم می‌آورد. در مقابل، اقدام قاطع و انتقام هوشمندانه، این پیام صریح را به نظام بین‌الملل مخابره می‌کند که دکترین امنیتی ایران در صیانت از منافع حیاتی خویش، مطلقاً انعطاف‌پذیر نیست. این قاطعیت میدانی، نخستین گام در مسیر ترمیم اقتدار آسیب‌دیده و بازسازی «عزت ملی» است. عزت ملی، مفهومی انتزاعی نیست؛ بلکه سرمایه‌ای اجتماعی است که در بستر ادراک عمومی از «قدرت حاکمیت» شکل می‌گیرد. زمانی که افکار عمومی مشاهده کند دستگاه محاسباتی و اراده سیاسی کشور از توانمندی لازم برای تحمیل اراده خود بر بزرگ‌ترین قدرت‌های مداخله‌گر برخوردار است، پیوند میان دولت و ملت تعمیق می‌یابد. مجازات آمران و عاملان این دست جنایات، فراتر از ابعاد نظامی، یک دستاورد عظیم اجتماعی به همراه دارد؛ این اقدام، با تزریق اعتمادبه‌نفس ملی و احیای غرور جریحه‌دارشده، به انسجام درونی جامعه می‌انجامد. ملتی که استیفای حق و تثبیت اقتدار خود را در عرصه جهانی به چشم ببیند، با همبستگی و تاب‌آوری مضاعفی به مصادف سایر بحران‌ها و فشارهای تحمیلی خواهد رفت.

۷

نبرد سرزنشوت

مجموعه پیام های نبیی پرامون

جنگ اسرائیل و آمریکا با ایران

یکی از ایرادات بنداول تفاهم نامه، به محاق بردن ماموریت ما برای خونخواهی است.



ایالات متحده آمریکا جمهوری اسلامی ایران و متحدان آنها در جنگ جهانی، با تصمیم این تفاهم‌نامه، پایان فوری و دائمی عملیات نظامی در منطقه را می‌دهند. از جمله بیان، را اعلام می‌کنند و تعهد می‌خورند، از این پس هیچ جنگ یا عملیات نظامی علیه یکدیگر آغاز نکنند، از تهدید یا استفاده از زور علیه یکدیگر خودداری کنند و تمامیت ارضی و حاکمیت لبنان را تضمین کنند.

بند اول توافق که با ایالات متحده آمریکا امضاء شده است تأکید دارد که علاوه بر پایان فوری و دائمی جنگ در تمامی جبهه‌ها، جمهوری اسلامی حق هیچگونه اقدام خصمانه‌ای علیه آمریکا را نداشته و حتی از تهدید او نیز باید خودداری کند. امضای چنین توافقنامه ای از سوی ریاست جمهوری ایران به معنای چشم پوشی و مسکوت گذاشتن مسئله خون خواهی رهبر شهید انقلاب است. چه دلیلی دارد در پایان بندی جنگ، توافقنامه ای با شلمان ایران و قاتل ام اعضاء اخذ شود که بند اول آن، دست و پای جمهوری اسلامی را برای خون خواهی برحق رهبرش ببندد و مفاد مورد تأکید آیت الله مجتبی خامنه‌ای در پیام‌هایشان مبنی بر خون خواهی امام شهید و همه شهدا را نادیده بگیرد. بند اول توافق به نحوی ایران و آمریکا را در کنار هم قرار داده است که گویا ایران نیز همچون آمریکا منشأ شرارت است و هر دو باید از اقدامات خصمانه منصرف شوند، درحالی که جمهوری اسلامی همواره درحال دفاع از خود بوده است و سند روشن آن نیز همین ترورهای بی پاسخ و تجاوزهای آشکار دشمن آمریکایی- صهیونی علیه مدارس، دانشگاه‌ها، بیمارستان‌ها، اماکن عمومی و شهروندان معمولی است. امروز ملت مبعوث ایران و مسلمانان جهان بیش از پیش شاهد جنایات آمریکا هستند و مطالبه انتقام آنها نه فقط برای احقاق حق امام شهیدشان که این بزرگ‌ترین قریضه است، بلکه انتقام برای بازدارندگی است، برای احیای مصونیت جایگاه مرجعیت شیعه و رهبران سیاسی جریان مقاومت است. این انتقام برای بازیابی قدرت مشروع و برحق رهبران ماست. اما روندهای دیپلماتیک با آمریکا هر بار برای این مردم جام زهر بوده است و تجربه تاریخی نشان داده که چگونه این توافقنامه‌ها به سود آمریکا و به ضرر ملت‌های مسلمان تمام شده است. وقتی بند اول توافق به هیچ وجه نپذیرفته است که تجاوزی کرده و باید راجع به ترور رهبر سیاسی ایران و رهبر دینی مسلمان پاسخگو باشد و درمقابل ایران را ملزم به پایان دادن به هرگونه تخاصم و تهدید کرده، چگونه مأموریت خون خواهی رهبر شهید به منظور احیای قدرت بازدارندگی ایران و سایر مولفه های قدرت ساز انجام شود؟! این بند نه تنها فرصت محکومیت آمریکا دربرابر چشم جهانیان را بر باد داده، بلکه با پذیرشش از سوی رئیس جمهور ایران و مسئولین موافق توافق، به بهانه‌ای در دست آمریکایی‌ها برای تداوم جنایات خود در منطقه، از جمله تهدید رهبران سیاسی مقاومت تبدیل شد.

پیام هشتم

راهکارها و مسیرهای انتقام جویی، محدود به

مقدورات متعارف مادر مسائل نظامی نیست.



خونخواهی رهبر شهید یک ضرورت اساسی و تکلیف انکارناپذیر برای ما است که هرگز نباید از دستور کار خارج شود اما مسیر تحقق آن، محدود به عملیات نظامی متعارف نیست. اقدامات نظامی-امنیتی می‌توانند در قلب دشمن و با طراحی‌های مبتنی بر شبکه‌های متنوع اطلاعاتی، اقتصادی و .. باشند. آمریکا، با همه ظاهر قدرتمندش، در لایه‌های زیرین خود از گسل‌های عمیقی رنج می‌برد که به دقت قابل شناسایی و هدف‌گیری است. وابستگی شدید به شبکه‌های مالی شکننده و مملو از فساد، شکاف‌های عمیق اجتماعی و سیاسی، بحران اعتماد عمومی به نهادهای حاکمیتی، و حضور نظامی گسترده و آسیب‌پذیر در نقاط مختلف جهان، همگی نقاط کوری هستند که یک طراحی هوشمند و ترکیبی از اقدامات اطلاعاتی، نظامی، اقتصادی و ... می‌تواند آنها را به بحران‌های تمام‌عیار تبدیل کند. با شناسایی دقیق این نقاط، می‌توان ضرباتی دردناک و فراتر از محاسبات متعارف آنها بر جای گذاشت. این درحالی است که ظرفیت‌های ما، فراتر از تصور است. ظرفیت‌های دینی و قدرت تشیع به عنوان یک شبکه هویتی در سراسر منطقه و جهان با آمادگی میلیون‌ها جانفدا برای انواع اقدامات نظامی و اطلاعاتی و انتحاری، یک ظرفیت بی نظیر است. افزون بر این، توانمندی‌های پیشرفته سایبری و اطلاعاتی، شبکه‌های مردمی و هم پیمانان متنوع در منطقه و جهان، همگی امکاناتی هستند که میدان را برای ما بی‌نهایت وسیع‌تر از آنچه دشمن تصور می‌کند، نشان می‌دهند. امروز در جهان انگیزه‌های زیادی برای مقابله با نظام استکباری حاکم بر جهان وجود دارد. دشمن باید بداند که ما هرگز محدود به ابزارهای متعارف نبوده و نیستیم و از کنار خون شهید خود نخواهیم گذشت. این چیزی است که به جد و مطالبه به حق مردم دادگار ایران و شیعیان جهان است. راه انتقام، از اقدامات انتحاری تا خرابکاری و ضربات زیرساختی تا افشای فساد، و از تحریک بحران‌های داخلی تا گروگان‌گیری داده‌ها، همه روی میز است. در این میان، آمران و عاملان این جنایت باید در کانون اهداف قرار داشته باشند و حقیقتاً تا زمانیکه این خونخواران به سزای اعمال خود نرسیده‌اند، قلب دادگار ملت آسوده نخواهد شد. از این روی نباید مساله را محدود به اقدامات نظامی متعارف دانست و در این معادله اظهار ناتوانی یا محدودیت کرد.